

# آیا پدر و مادر بدون فن است؟

آری ونه .

عادتا " ماخیال میکنیم که برای تربیت کردن فرزندان ، نیازی به کارآموزی نیست و کمی عقل سلیم برای این کار کافی است . با وجود این مادر اطراف خود مشاهده میکنیم که این عقل سلیم روش های متضادی را بکار میگیرد . فلان همسایه صلاح میدانند که بسرش را تربیت کند و در هر کاری اراده خود را باو تحمیل کند . آن دیگری برعکس عقیده دارد که باآزاد گذاردن فرزندش در کار خود که به تنهایی گلیم خود را از آب بکشد او را آماده زندگی خواهد کرد . آن مادر دیگر فرزندش را از مهری اضطراب آمیز محصور کرده و در مراقبت و اندرز فرو گذار نمیکند . و دست آخر هر یک از آنها که بمقصود نرسیده اند تعجب می کنند . بچه در برابر تعالیم مربی گستاخی میکند اگر پدر نسبت بخطای او عفو و گذشت نشان دهد ، او را بهی تفاوتی متهم میکند و محبت سرشار مادر را بسردی جواب میدهد و هر یک از این پدران و مادران از خلق و خوی فرزند خود شکایت دارند و بدرگاه خدا مینالند که : " مگر من چه گناهی کرده ام که چنین بچه ای بمن داده ای ؟ "



### طبیعت

یک قسمت مهم از خصوصیات اخلاقی کودک موروثی است . این قسمت را مانع یا طبیعت خواهیم نامید و این از دو قسمت تشکیل میشود که یکی ناشی از جسم است و دیگری از روان و بنابر اقتضای این طبیعت است که کودک کم یا بیش زرنگ و فعال ، تاثیر پذیر ، یا فرزند و چابک می شود . همچنانکه لاغر یا فربه و نیرومند یا ضعیف می شود و این حالات طبیعی او می شوند و بر ماست که در این باره احتیاطهای لازم را بکار بریم .

اول این که نباید کودک را بخاطر طبیعتی که دارد سرزنش کنیم و در او بنظر عیب بنگریم . از تنبیه کردن کودک بعلت عصیانیت و ترسوئی و سرزنش کردن او برای این نقصها ، نتیجه ای که بدست می آید افزایش عصیانیت و ترسوئی او خواهد بود . برعکس باید توجه داشته باشیم که او از عیب جوئی یا تهدیدات احساس تراز کسان دیگر است .

دوم این که باید طبیعت هر یک از آنها را در نظر داشته و از همه یکانتظار نداشته باشیم . برعکس سعی کنیم از هر یک باندازه توانائیش کار بخواهیم .

جای اینکه بیک کودک پرتحرک تحمیل کنیم که با یک کتاب در کوشای بنشیند ، بی کساری طبیعت او را خشمگین خواهد کرد . سعی کنیم موردی برایش فراهم سازیم تا انرژی خود را با دویدن و بازی در خارج مصرف کند منتهی بدون این که موردی برای هیجانان بیهوده باو داده باشیم .

شکی نیست که هر کس اخلاقی مخصوص بخود دارد و روشی خاص بکار میرد از خود برسم آیا سبب آن ، اخلاق خود مانست ؟ و آیا خود مادر کار خود سمج و مستند ، یا ضعیف و بی ثبات نیستیم ؟ یا گرفتار خود پسندی یا کم حوصلگی نسبت به همسر و فرزندان نیستیم ؟

در سالیهای اخیر مطالعاتی در مسائل اخلاقی کرده اند . مطالعه در اینکه اخلاق کودک چگونه شکل میگیرد و چگونه هر روز در حال دگرگونی و تحول است . مطالعات میتواند ما را در شناخت بهتر رفتار کودک و همچنین رفتار ما نسبت بکودک کمک کند و آنوقت " عقل سلیم " ما روشن تر خواهیم شد .

### تاثیر مادر و پدر در تکوین خلق و خو .

ما خیال میکنیم که فرزندان با چند صفت خوب و بسیاری نقیصه بدنیا آمده ما میخواهیم درباره این نقایص بگفتگو پردازیم . فن مادر و پدری در برطرف کردن نقایص مزبور ، اول بوسیله تربیت و تنبیه کردن و سپس با درس اخلاق است . آنچه امروز در ایس باره میدانند متفاوت است . خلق و خوی کودک بعد از تولد ، نخست در مجاورت مادر و پدر و بعد در تماس با مردم شکل میگیرد و ایس کار از همان سالیهای اول و پیش از آنکه کسودک بسن یاد گیری رسیده باشد شروع می شود ، این اولین مرحله یکی از مهمترین دوره های تربیت کودک است . در این مرحله کودک تاثرات عمیقی دریافت میکند و عادات و پایداری اخذ میکند . در این مرحله است که بچه ترسو یا جسور ، با اعتماد یا تودار ، شاد یا افسرده می شود . حالا

## تأثیر روش ما نسبت باشیاء .

از همان ماههای اول ولادت ، کودک تحت نفوذ رفتار و کردار ما قرار می‌گیرد؛ اگر ما غوغاگر و پر سرو صدا باشیم و به آسانی از هر چیز ناراضی شویم او نیز تحریک پذیر و سریع‌التأثیر و فرقر و خواهد شد و برعکس اگر ما آرام باشیم او نیز به آسانی آرامش خواهد گردید .

مدنها کودک در برابر سگی که بدور او گردش میکند و در برابر بانویی که با او روز بخیر می‌گوید و با شنیدن غرش ناگهانی رعد ، — سردد و بهت زده است . نگاهش متوجه عکس‌العمل ما است . اگر ما را ترسناک و نگاهمان را خصمانه ببیند خواهد ترسید و شروع بگریه خواهد نمود یا خود را از ترس مخفی خواهد کرد . اگر برعکس ما را آرام و ساد و خوشرو ببیند او نیز خندان و مطمئن و مهربان خواهد شد و باین ترتیب است که کم‌کم خلق و خوی او شکل خواهد گرفت .

## رفتار ما نسبت به کودک

از بدو تولد ، کودک ، به حرکات و نگاه‌ها و حرفهای ما پاسخ میدهد و تأثیر آنها را می‌پذیرد و باین ترتیب اخذ عادت می‌کند .

مثلاً هنگام تولد ، همینکه از مادر جدا گردید باید به درجه حرارت یائین تر، به روشنائی زنده و تنفس در هوای خارج و به نوشیدن عادت کند . این اولین منزل بسوی زندگی مستقل است که شاید هم مشکل‌ترین آن باشد . طبیعی است که مدت چند هفته این عادت به همراه احساس عدم امنیت و گریه و فریاد باشد . و این مادر است که

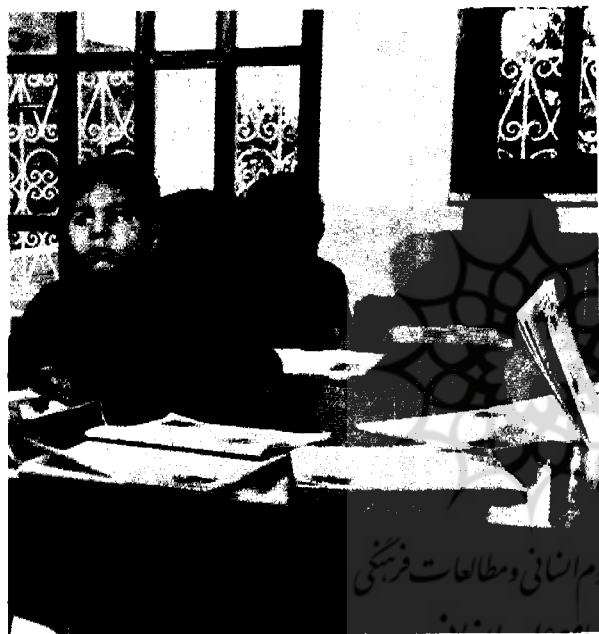
سوم اینکه کودک را یاری کنیم تا طبیعت خود را با اجتماع تطبیق دهد . کاری کنیم که فرزند تأثیر — پذیر ما ، مانند فرزند شدید‌العملمان با ملاقاتهای خانواده و مدرسه‌ای که بنظرش امر مهمی است ، با آسانی روبرو شود . بگذاریم با برادران و رفقایش بدون مداخله ما و بدون منع یا حمایت او مقابله کند . تا از کسب تجربیات لازم بازش نداشته باشیم . زیرا او در ضمن این تجربیات فایده‌بنکار و جهد و کوشش و لسزوم پیروی از قوانین و مقررات را یاد خواهد گرفت . اما باید مراقبت کنیم و قوه تحمل او را هم در نظر داشته باشیم که در این کارها فرسوده نشود باین طریق که اگر لازم باشد او را با بیابان عباراتی که حاکی از محبت ما باشد در کار خود تشویق نمائیم .

## خلق و خو چیست ؟

ما کسی را بدخلق و خو می‌گوئیم که عادتاً " هر چیز را از طرف بدش مینگرد و متمایل به بدخواهی و بداندیشی است . و دیگری را خوش خلق و خو می‌پنداریم که گفتار و کردارش حاکی از حسن نیت باشد . بنابراین این خلق و خو یا اخلاق عبارت است از رفتار عادی او نسبت به ما .

نفوذ مادر و پدر در عاداتی که کودک اخذ می‌کند بستگی به طرز رفتاری دارد که آنها در برابر او نسبت به هر چیز و همچنین نسبت بخود او نشان می‌دهند .

آرام تر، صورتش، و مین تر خواهیم شد. پس دانسته شد که مسئولیت مانسبت ناو بزرگ است، باین معنی که تربیت کردن فرزندانمان قبل از هر چیز باید تکامل رفتار و احساسات خاص خودمان باشد و در واقع تربیت مادر و پدر و فرزندان دوش بدوش هم باید پیش بروند. بدیهی است که کودک تحت تاثیر بد و جاهلانه مردم خارج وهمچنین سوانح و پیشآمدهای غیر



منتظره بیرون از محیط خانواده نیز قرار میگیرد با وجود این اگر کودک خود را با ما و در محیط خانه مطمئن و در امان بداند خیلی کمتر از این تاثیرات رنج خواهد برد. آنوقت این دیدهها و شنیدهها را با ما در میان خواهد گذاشت و ما خواهیم توانست اطمینان خاطرش را فراهم کنیم و اثر آنها را از لوح ضمیرش پاک کنیم.

باید این احساسات عدم امنیت را با مهربانی و نوازش و دلجوئی در او تسکین دهد و در عین حال، در حالیکه همواره او را در بغل خود میچسباند عادت دهد که امنیت وآرامش را نباید جر درآغوش او حسنجو کند و برای بدست آوردن آنهم بکره موسل کردد، و این اثر از خلق و خو در کودک ممکن است باشکال کوناگون باقی بماند.

اگر بعدها کودک خود را از آواز خواندن به عذر اینکه خشمکیمان میکند، از بازی کردن روی زمین، به بهانه اینکه خودش را کثیف میکند از ملاقات رفقایش از بیم ابتلا بگریب یا آبله - مرغان و غیره منع کنیم او را عمگین، مایوس، یا برعکس یاغی کرده ایم. اگر گاه و بیگاه بکوش بخوانیم که برای هیچ کاری خوب نیست، یا از برادران و رفقایش عقبتر است، او خجسته و سرگردان خواهد کردید. اگر برای اینکه او را زادار به اطاعت کنیم بهدیش کنیم که دیگر دوستش نداریم یا بدست پاسانش خواهیم داد ممکن است موقتا "آرامش کنیم اما برای مدت زیادی او را مضطرب و نسبت بخسود بی اعتماد خواهیم کرد. اگر از بچه لوس و نبری خواهش کردیم که بگذارد کارمان را بکنیم و او باز چندبار بی دربی مزاحم ما شد، و ما هربار متضرعانه از کار او شکایت کردیم، او را به استبداد و بوالهوسی عادت داده ایم.

بنابر این قسمت مهمی از اخلاق خوب یا بد کودک و محاسن و معایب آینده او نتیجه رفتار ما است نسبت باو. اگر این حقیقت را صمیمانه قبول کنیم، روشمان در تربیت کودک احتمالا تغییر خواهد کرد و در آن واحد مال اندیش تر

